

تحلیل تطبیقی رضایت‌مندی زنان از پارک‌های شهری - پارک بانوان حجاب و پارک مختلط ملت (مشهد)

سید هادی حسینی*

استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزواری، ایران

داود سمیعی‌پور

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزواری، ایران

چکیده

هدف این پژوهش ارزیابی میزان رضایت‌مندی بانوان از پارک‌های بانوان و مقایسه آن با پارک‌های مختلط است. برای این مهم، پارک مختلط ملت و پارک بانوان حجاب در مشهد انتخاب شد. روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی بود. ابزار گردآوری داده‌ها، مطالعات کتابخانه‌ای و پیمایش پرسشنامه‌ای بود. جامعه آماری کلیه زنان ۱۵ سال به بالا و نمونه تحقیق برابر با ۲۸۸ نفر بود. یافته‌ها نشان داد که نقش پارک‌های شهری به عنوان مهم‌ترین فضاهای شهری فقط بر کارکرد اکولوژیکی آن خلاصه نمی‌شود. کارکردهای تسکین و آرامش بخشی، کارکرد آموزشی - فرهنگی، روان‌شناختی و فراغتی - اجتماعی مهم‌ترین کارکردهایی بودند که شهروندان از این فضاها انتظار داشته‌اند. بر طبق تحلیل یافته‌ها، رضایت‌مندی زنان از پارک بانوان حجاب مشهد اندکی بیش‌تر از پارک مختلط ملت بود، ولی تفاوت‌های بین این دو پارک معنادار نبود. تحلیل نقش متغیرهای اجتماعی - اقتصادی بر رضایت‌مندی از پارک‌های شهری نشان دادند که تفاوت‌ها بین گروه‌های مختلف سنی معنادار نیست. در خصوص نقش تحصیلات بررسی‌ها نشان داد که زنان با تحصیلات بیش‌تر و عالی نسبت به زنان دارای سطح تحصیلات پایین‌تر، رضایت‌مندی بیش‌تری از پارک‌های مختلط داشته‌اند. رضایت‌مندی زنان شاغل، محصلان و بازنشستگان در پارک بانوان، پایین‌تر از میانه نظری بود که نشان از فقدان رضایت آن‌ها از پارک بانوان دارد، در حالیکه رضایت‌مندی این سه گروه از پارک ملت که مختلط است، بالاتر از میانه نظری است.

واژگان کلیدی

پارک شهری؛ پارک بانوان؛ پارک مختلط؛ رضایت‌مندی؛ مشهد

*نویسنده مسئول

تاریخ دریافت ۱۳۹۳/۱۰/۳

تاریخ پذیرش ۱۳۹۴/۳/۳

مقدمه و بیان مسئله

از نظر کوین لینچ، شهر یک فرایند خاص و انباشتی تاریخی است که شکل خاص موجود خود را از طریق زنجیره‌ای از رویدادهای فردی، به تبع وقایع و تصادفات تاریخی و محلی و تحت نفوذ شدید فرهنگ، اقلیم و ساختار اقتصادی و اجتماعی به خود گرفته است (لینچ، ۱۳۷۶: ۳۶). در واقع آنچه که در تعریف شهرها بیش از ابعاد کالبدی مدنظر است، ماهیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی آن‌هاست و کالبد شهرها نمودی از اوضاع و احوال حاکم بر بنیان‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی آن‌ها است. به بیانی دیگر، فضای شهری، بیش‌تر فضایی مدنی است تا کالبدی. پس ضروری است در برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای شهری، به جای آنکه کالبد یا ظرف را طراحی کرده و سعی نماییم مظروف یا جامعه مدنی را با ویژگی‌های آن سازگار کنیم، ابتدا بایستی مظروف را با تمام پیچیدگی و ویژگی‌های کمی و کیفی و فرهنگی‌اش شناخته و سپس فضای کالبدی را به گونه‌ای برنامه‌ریزی و طراحی کنیم که تأمین‌کننده حداکثر رضایت‌مندی مظروف (شهروندان) باشد.

یکی از فضاهایی که ضروری است در برنامه‌ریزی، مکان‌یابی و طراحی آن‌ها به گونه‌ای جدی به ویژگی‌های کمی و کیفی مخاطبان توجه شود، فضاهای عمومی شهری است. الدنبرگ در کتاب خود تحت عنوان «مکان واقعاً خوب»، برای فضاهای عمومی از اصطلاح مکان سوم استفاده می‌کند. او اصطلاح مکان سوم را برای توصیف مکان‌های عمومی ابداع کرد که میزبان گردهمایی‌های منظم، داوطلبانه و غیررسمی افراد، و رای قلمرو خانه و محل کار هستند. ویژگی مهمی که مکان‌های سوم را برای چنین گردهمایی‌های داوطلبانه و غیررسمی مساعد می‌کند، آن است که افراد می‌توانند به صورت ناشناس، بدون نیاز به ابراز هویت و در عین حال به صورت اجتماعی در این مکان‌ها ظاهر شوند. او بر اهمیت این گونه مکان‌ها به عنوان تأمین‌کننده برخی از نیازهای اجتماعی تأکید می‌کند که ممکن است در خانه یا محل کار برآورده نشوند، (چانگ^۱، ۲۰۰۲). از نظر فیشر مکان‌های سوم موجب سرمایه اجتماعی هستند، چرا که میان افراد ارتباط، پیوند و اعتماد ایجاد می‌کنند که در نتیجه آن یک جامعه خلق می‌شود (فیشر^۲، ۲۰۰۷).

1. Cheang
2. Fisher



متأسفانه فرایند شهرنشینی معاصر به ویژه در کشورهای در حال توسعه و برنامه‌ریزی‌های مترتب بر آن، به دلایل متعددی نتوانسته است فضاهای عمومی شهرها (مکان‌های سوم) را چنانکه باید و شاید مورد اهتمام و توجه خود قرار دهد. عواملی چون سرعت و شدت بالای تغییر و تحولات در فرایندهای اجتماعی، اقتصادی و اجتماعی و به ویژه تکنولوژیکی و تأثیرات آن‌ها بر محیط‌های شهری و زندگی شهروندان و در نتیجه تقدم شهرنشینی بر شهرسازی و سبقت گرفتن حوزه عمل از حوزه اندیشه، حاکمیت نخبه‌گرایی، خرد محوری و عقلانیت افراطی در دورکردن بخش عظیمی از شهروندان و گروه‌های اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی از مشارکت در فرایندهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری شهرها، حاکمیت مردسالاری بر حوزه اندیشه و عمل برنامه‌ریزان و سیاستگذاران شهری و به فراموشی سپردن نوع نگاه و نیازها و اولویت‌های بخش عظیمی از شهروندان جامعه یعنی زنان از عواملی است که در فقدان رضایت‌مندی شهروندان از فضاهای عمومی شهرها نقش مهمی داشته و دارد.

فضاهای عمومی شهرها از مهم‌ترین عرصه‌هایی است که می‌تواند در افزایش خوانایی و سرزندگی، نشاط و به طور کلی سبقت جستن وجه فرهنگی - اجتماعی و سیاسی شهر بر وجه کالبدی و فنی در شهرهای معاصر تأثیرگذار باشد. چنین فضاهایی به اعتبار اینکه مکان سرمایه‌گذاری‌های مشترک فرهنگی - اجتماعی و روانی - عاطفی کلیه اقشار اجتماعی خواهند بود، باعث عینیت یافتن ذهنیت جامعه مدنی خواهند شد (حبیبی، ۱۳۷۹: ۲۴). در شرایطی که مباحث مربوط به کم و کیف مشارکت دادن شهروندان و کلیه ذینفعان در فرایندهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری مربوط به مدیریت و برنامه‌ریزی شهرها به کانون اصلی بحث‌های اندیشمندان حوزه علوم شهری تبدیل شده است، فضاهای عمومی شهرها به عنوان عرصه تعامل اجتماعی - فرهنگی و سیاسی میان گروه‌های مختلف شهروندان و بستری برای شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و افزایش اعتماد و همبستگی اجتماعی، می‌توانند در آگاهی بخشی، مسئولیت‌پذیری و مشارکت شهروندان در بهبود کیفیت زندگی در محیط‌های شهری نقش مهمی داشته باشند.

از سوی دیگر، با توجه به اینکه بیش از نیمی از جمعیت جهان را زنان تشکیل داده و پذیرفتن نقش‌های جدید توسط زنان به دلیل افزایش فعالیت‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی‌شان، رو به ازدیاد است، می‌توان ادعا کرد که حضور زنان در فضاهای شهری به یک

الزام تبدیل شده است. بررسی فضاهای عمومی شهری با توجه به نیازهای گروه‌های جنسی زنان و افزایش و بهبود مطلوبیت این فضاها از یک سو و برقراری عدالت جنسیتی در فرآیند برنامه‌ریزی شهری، از طرف دیگر می‌تواند به بهبود محیط‌های انسانی در شهر و حضور مؤثر زنان در تولید و باز تولید فرهنگی شهری منجر شود (رفیعیان و ضابطیان، ۱۳۸۷: ۴۹-۵۰).

در جامعه ایران به دلیل حاکمیت نگرش‌های مردسالارانه بر حوزه‌های مدیریتی و برنامه‌ریزی و برخی مشخصه‌های خاص فرهنگی، متأسفانه به نقش و کارآمدی زنان نه تنها در مدیریت و برنامه‌ریزی‌های سطح کلان، حتی در موضوعاتی که به طور خاص به این قشر مربوط می‌شود، چندان اهمیتی نشده است، حتی در حوزه خاصی چون برنامه‌ریزی و طراحی شهری نیز برنامه‌ریزی‌ها و طراحی‌های انجام شده برای زنان، عمدتاً توسط مردان و بر اساس انتظارات، خواسته‌ها و ذهنیت‌هایی بوده است که آن‌ها از زنان داشته‌اند. نمودی از این امر را می‌توان در طراحی فضاهای عمومی شهرها و به خصوص پارک‌های شهری مشاهده کرد که فقدان فضای مناسب برای ورزش، استراحت و تعامل برای زنان از آن جمله هستند.

در سال‌های اخیر، برخی مدیران شهری با مشاهده این نارسایی و از سوی دیگر افزایش حضور چشمگیر بانوان در فضاهای اجتماعی، سیاسی، آموزشی، مدیریتی و حتی اقتصادی برای بهبود کیفیت فضاهای عمومی شهرها به منظور استفاده بانوان، به طراحی پارک‌های بانوان اقدام کردند که نمونه‌های از آن‌ها در شهرهای تهران و مشهد، سبزوار و ... ایجاد شدند. با توجه به جدید بودن موضوع ایجاد پارک‌های بانوان در ایران، موضوع ارزیابی میزان رضایت‌مندی بانوان از این فضاهای شهری خاص (پارک‌های بانوان) و مقایسه آن با پارک‌های مختلط به عنوان مسئله اصلی این تحقیق مطرح شد. البته، با توجه به نقش مهم فضاهای عمومی و به خصوص پارک‌های شهری در کیفیت بخشی به زندگی شهروندان و ایجاد توسعه پایدار شهری، مسئله دیگری که در ذیل مسئله نخست بدان بررسی شد، ارزیابی نقش پارک‌های شهری در ایجاد توسعه پایدار شهری و بهبود کیفیت زندگی شهروندان در ابعاد مختلف است. بر این اساس، سؤال‌هایی که زمینه‌ساز انجام این پژوهش شدند عبارت هستند از:

- پارک‌های شهری چگونه می‌توانند بر بهبود کیفیت زندگی شهروندان و توسعه پایدار

شهرها تأثیر بگذارند؟



- آیا ایجاد پارک‌های ویژه بانوان توانسته است به افزایش رضایت‌مندی و حضور بیش‌تر زنان در فضاهای عمومی منجر شود؟

ماهیت و کارکردهای فضاهای عمومی شهری: به طور کلی مفهوم شهر و فضای شهری مفهومی بسیار متعالی‌تر و پیچیده‌تر از یک فضای صرف کالبدی است. فضای شهری، فضایی است که در نتیجه تعامل و وجود رابطه دیالکتیکی بین پدیده‌های گوناگون در محیط شهری شکل می‌گیرد و رشد و تکامل می‌یابد. بخش مهمی از کمیت و کیفیت تحول‌یابی و تکامل یک فضای شهری در گرو چند و چون تعاملات و جریان‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی، جمعیتی، فرهنگی و اجتماعی و ... است. علاوه بر این، فضای شهری به عنوان یک فضای عمومی، محل ظهور و حیات بخشی اندیشه‌ها و خواست‌های فردی و اجتماعی انسان‌هاست، یعنی مهم‌ترین مرکز ادراکات اشتراکی آدمی است و شاید به همین دلیل در توسعه انسانی جوامع نقش بسیار مهم و با اهمیتی را دارد (صدری، ۱۳۸۵).

نکته مهم در خصوص فضاهای شهری این است که هر چند شکل‌گیری شهرها و فضاهای شهری مرهون تعاملات و کنش‌های اجتماعی هستند و فضای شهری به طور کلی می‌تواند در شکل‌گیری حیات مدنی تأثیر بسزایی داشته باشد، با وجود این، در درون فضاهای شهری موجود، برخی موقعیت‌ها و مکان‌ها از امتیاز و اهمیت بیش‌تری برای تجلی کنش‌ها و تعاملات اجتماعی و حیات بخشی جامعه مدنی بهره‌مند هستند که از آن میان می‌توان به فضاهای عمومی شهرها به ویژه پارک‌های شهری اشاره کرد. فضاهای عمومی شهری، در واقع بخش کالبدی عرصه عمومی محسوب می‌شوند و بدیهی است که در صورت فقدان یا ضعف فضاهای عمومی، بسیاری از فعالیت‌ها، رفتارها و کوشش‌های عرصه عمومی، محلی مناسب برای بروز و ظهور نخواهد یافت.

مراد از فضاهای عمومی شهری، فضاهایی است که هیچگونه منع قانونی برای ورود قشرهای مختلف شهروندان به آن‌ها وجود ندارد. چنین فضاهایی نه تنها پارک‌ها و فضاهای سبز عمومی، بلکه می‌توانند دربرگیرنده مکان‌هایی چون خیابان‌ها، میداين نیز باشند. در گذشته‌ای نه چندان دور که هنوز ماشین و نیازهای او بر انسان و نیازهایش تقدم نیافته بود، خیابان‌ها و میداين عمومی شهرها مهم‌ترین عرصه‌ها و فضاهای عمومی شهرها بودند که نقش تزریق روحیه را بر کالبد بیجان شهرها بر عهده داشتند، اما امروزه با گسترش مدرنیته و فرهنگ

مصرفی سرمایه‌داری و به ویژه حاکمیت و تسلط یافتن ماشین بر انسان، دیگر خیابان‌های شهری جایی نیستند که بتوان در آن‌ها تعاملات اجتماعی برقرار کرد، خیابان‌های شهرهای دوره معاصر بیش‌تر محل گذر هستند و نه محل سکون، بیش‌تر نقش انتقال‌دهنده را بر عهده دارند و نه ارتباط‌دهنده. میداین شهرها نیز ماهیت خود را از دست داده‌اند، اگر در گذشته میداین شهری به عنوان فضاها و عرصه‌های عمومی مطرح بودند که محل و نقطه کانونی تمرکز کاربری‌ها و کارکردهای شهری و جریان‌های سیاسی و فکری و فرهنگی و فعالیت‌های اقتصادی بودند، امروزه مهم‌ترین کارکرد میدان‌های شهری (فلکه‌ها) تقسیم جریان‌های ترافیک میان مناطق مختلف شهری است. اگر در گذشته انسان و فعالیت‌هایش مهم‌ترین ویژگی میدان‌های شهری بود، امروزه ماشین و عملکردهای آن و نیازهایش به عنوان مهم‌ترین نمود میداین شهری جلوه‌گر است.

در این میان فضاها که امروزه از قابلیت بالقوه مناسبی برای ایجاد سرزندگی و حیات مدنی در شهرهای معاصر بهره‌مند هستند، پارک‌ها و فضاها سبز عمومی هستند. این فضاها به واسطه توانایی مناسبی که در ارائه کارکردهای مختلف اکولوژیکی، روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی، آموزشی و حتی اقتصادی دارند، می‌توانند به صحنه مناسبی برای نمایش حیات شهری تبدیل شوند. این فضاها در سلامتی شهر و شهروندان نقش فعالی ایفا می‌کنند. آن‌ها بر خلاف معنایی که ممکن است در ذهن ایجاد کند، تنها محلی نیستند که شامل چند درخت و نیمکت باشد، بلکه نماد و سمبلی از تفکرات فرهنگی و اجتماعی یک جامعه است و عاملی مهم در فضای شهری محسوب می‌شود که همواره عموم مردم از جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی و روانی به آن‌ها توجه کرده‌اند (صالحی فرد، ۱۳۸۹: ۵۱). اهمیت فضای سبز در داخل شهرها به حدی است که در بین پنج کاربری مهم شهری از آن یاد می‌شود. این فضاها عمومی توانایی ارائه کارکردهای متنوع و گوناگونی را در زندگی انسان‌ها داشته و دارند که از آن جمله می‌توان به کارکردهای اجتماعی (بسترسازی برای شکل‌گیری تعاملات اجتماعی میان شهروندان، انتشار دانش‌ها و تجربیات و ارزش‌ها مرتبط با زندگی روزمره، کمک به اجتماعی شدن افراد و شکل‌گیری و ارتقاء سرمایه اجتماعی، بسترسازی برای افزایش همبستگی و انسجام اجتماعی و ...)، روان‌شناختی (ایجاد آرامش روحی و روانی، تأثیرات مثبت در سلامتی جسمی و بدنی افراد، ارتقاء کارایی و راندمان عملکردی افراد) (صالحی فرد، ۱۳۸۹: ۶۳)، فرهنگی (گسترش



فرهنگ شهری و حقوق شهروندی، بسترسازی برای آشنایی افراد با مفاخر ملی و مفاهیم ارزشی (انسانی)، برگزاری دوره‌های مختلف آموزشی، جشنواره‌ها، مسابقات فرهنگی، بسترسازی برای آشنایی شهروندان با عقاید و ارزش‌ها و باورهای سایر گروه‌ها، اقلیت‌های شهر، بسترسازی برای آشنایی مهاجران با فرهنگ زندگی شهری (صالحی فرد، ۱۳۸۹: ۶۰) و اکولوژیکی (بهبود شرایط بیوکلماتیک در شهر، کاهش آلودگی هوا، تأثیر مثبت بر چرخه آب در محیط زیست شهری و افزایش کیفیت آب‌های زیرزمینی، افزایش نفوذپذیری خاک، کاهش آلودگی صوتی (سعیدنیا، ۱۳۷۹: ۳۸) اشاره کرد.

زنان و فضای عمومی شهرها: موضوع نقش و جایگاه عرصه‌های عمومی به عنوان فضایی برای ابراز حضور و مبارزه و مشارکت زنان (و همچنین سایر گروه‌های اجتماعی و فرهنگی و سیاسی به ویژه گروه‌هایی که در حاشیه بوده‌اند) در عرصه‌های گوناگون تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، نکته مهمی است که در سال‌های اخیر ابتدا در کشورهای پیشرفته و به مرور در کشورهای در حال توسعه اهمیت پیدا کرده است. عرصه عمومی زمینه‌ای را فراهم می‌کند تا افراد ذریبط (کلیه ذینفعان و متأثر شونده‌گان) بتوانند در مباحث مربوط به سیاست‌ها و هنجارهای مورد مجادله و به طور کلی مجموعه اموری که به نوعی با منافع فردی و جمعی آن‌ها رابطه مستقیم دارد، به طور برابر به مشارکت اقدام کنند.

زنان به طور متوسط حدود نیمی از جمعیت جهان (و ایران) را تشکیل می‌دهند. تا پیش از قرن اخیر بر اساس نگرش‌های سنتی حاکم در فضای عمومی و حرفه‌ای و علمی، یک تقسیم‌بندی سنتی میان نقش‌های زنان و مردان انجام شده بود که در آن نقش زنان را به عنوان خانه‌دار و مادر و نقش مردان را به عنوان نان آور و اهل کار تصویر می‌کردند. در این نوع نگرش، زنان به حوزه خصوصی و مردان به حوزه عمومی تعلق داشتند و بر اساس این تقسیم‌بندی، فضاهای شهری نیز شکل می‌گرفتند. تقسیم‌بندی فضای واحدهای مسکونی به اندرونی و برونی در ایران نمودی از این نگرش حاکم بر جامعه بود. اما در دهه‌های اخیر با شتاب گرفتن حضور زنان در عرصه‌های علمی و آموزشی، اجتماعی و فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و همزمان با گسترش جنبش‌های فمینیستی، به موضوع نقش و جایگاه زنان در فرایند برنامه‌ریزی و طراحی شهری نیز توجه شد. در واقع در شرایطی که تغییرات عظیمی در ساخت

اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و حتی سیاسی جوامع در قرن اخیر ایجاد شده است و حضور زنان در عرصه‌های عمومی به طور چشمگیری افزایش یافته است، با این حال هنوز نگرش‌های سنتی حاکم مذکر محور و مرد سالارانه بر فضای برنامه‌ریزی شهری از قدرت بالایی، به‌ویژه در جامعه ایرانی، بهره‌مند است. چنین تضاد و پارادوکسی باعث ایجاد تناقضی شده است که نتیجه آن فقدان آسایش و احساس ناامنی زنان در فضاهای شهری به خصوص فضاهای عمومی بوده است. در شرایط کنونی حوزه‌های فعالیتی زنان و همچنین دامنه‌خواست‌ها و نیازهای آن‌ها نسبت به گذشته بسیار گسترده‌تر و متنوع شده است و فعالیت‌های آن‌ها صرفاً منحصر به فعالیت‌های خانه‌داری و مراقبت از بچه‌ها نمی‌شود. تنوع خواست‌ها و نیازها و گسترده‌تر شدن کارکردها و فعالیت‌ها، باعث ضرورت ایجاد و اختصاص فضای کافی و مناسب و مطلوب برای ظهور و بروز آن‌ها شده است.

از سوی دیگر تفاوت در ویژگی‌های زیستی زنان نسبت به مردان و تفاوت‌های شناختی و ادراکی آن‌ها در مقایسه با مردان نسبت به موضوعات و شرایط مختلف، ضرورت لحاظ داشتن این تفاوت‌ها را در برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای شهری دوچندان می‌کند. اگر دو موضوع فوق‌الذکر را در ارتباط با این موضوع قرار دهیم، که متأسفانه زنان در فرایندهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای شهری و به‌ویژه فضاهای عمومی شهری در طی دهه‌های اخیر نقش چندانی نداشته‌اند، اهمیت موضوع بیش‌تر آشکار خواهد شد. در واقع بخش عمده‌ای از فضاهایی که حیات شهری و مدنی در آن‌ها جریان دارد، فضاهایی هستند مذکر محور، حتی فضاهایی هم که برای زنان طراحی و ساخته شدند، عمدتاً توسط مردان برنامه‌ریزی و طراحی شده و بر اساس انگاره‌ها و پیش‌زمینه‌های ذهنی مردان از زنان ایجاد شده است.

در چنین شرایطی است که از حدود دهه ۱۹۶۰ و در بستر گسترش انتقادهای نسبت به شهرسازی مدرن و همراه با رشد جنبش‌های زنان، موضوع رابطه میان جنسیت و شهر به یک گفتمان جدید در اروپا و آمریکا تبدیل شد. از دهه ۱۹۸۰ بدین سو و در متن جنبش زنان، موج جدیدی به صورت فمینیسم شهری^۱ به ظهور رسید که معمولاً از آن به عنوان جنبش زنان و برنامه‌ریزی نام برده شده است (مه‌دیزاده، ۱۳۸۷: ۱۳). این رویکردها و اندیشه‌ها و تغییرات در

1. Urban Feminism



نگرش‌ها به مرور به سایر نقاط جهان و به ویژه کشورهای در حال توسعه نیز گسترش یافت و زمینه مناسبی را (هر چند با تأخیر) برای اندیشه در خصوص جایگاه زنان و نیازها و خواست‌های آن‌ها در برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای شهری فراهم کردند.

توجه به فضاهای عمومی شهری به عنوان کالبد و مکان تجلی حیات مدنی جامعه شهری و به طور خاص جایگاه و اهمیت این فضاها برای زنان به آن دلیل است که روابط و تعاملات اجتماعی در خلاء شکل نمی‌گیرند. هر شکلی از روابط را می‌توان در بستر اجتماعی خاصی جستجو کرد. غافل ماندن از بستر و زمینه‌ای که رابطه در آن شکل می‌گیرد، ممکن است ما را در فهم ماهیت و شکل‌بندی رابطه به مسیر خطا رهنمون شود و مکان یکی از عناصری است که می‌تواند تا حدودی این بستر و زمینه را به ما معرفی کند (علیرضا نژاد و سرایی، ۱۳۸۶: ۳). مکان محدوده‌ای می‌نماید که خصایص، هویت‌ها و روابط اجتماعی در آن شکل می‌گیرند و متقابلاً همین عناصر بر تکوین و تطورش مؤثر می‌افتند. مکان و فضا هم روابط جنسیتی را شکل می‌دهند و هم توسط این روابط موجودیت می‌یابند (محمدی اصل، ۱۳۹۰: ۳۸-۳۹). پس فضای شهری و بالاخص فضاهای عمومی شهری نیز خواهان آن هستند که وظیفه تجلی کالبدی بخشیدن به عرصه عمومی و حیات مدنی جامعه شهری را بر عهده بگیرند، اگر تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران و برنامه‌ریزان به دنبال آن هستند که از کارکردهای اکولوژیکی، اجتماعی و فرهنگی، روان‌شناختی و آموزشی این فضاها در جهت توسعه پایدار شهری و بهبود کیفیت زیست شهروندان بهره ببرند، به نظر می‌رسد گام نخست برای مکان‌یابی و طراحی صحیح و به طور کلی کارآمدی آن‌ها، شناسایی کاربران این فضاها و تفاوت‌های زیستی و شناختی و ادراکی است که میان آن‌ها وجود دارد.

عدالت جنسیتی و فضاهای عمومی شهری: مفهوم عدل به معنای برابری، همسانی و مساوات، عدل و عدل در معنا نزدیک بوده، ولی عدل در چیزی است که تساوی آن با بصیرت درک شود و عدل در مورد چیزی است که تساوی آن با حس معلوم شود (ابن‌منظور، ۱۴۰۵: ۱۱). عدالت برای انجام هر عملی که هدف آن ارتقاء سطح کیفی زندگی است، یک پیش شرط به شمار می‌رود (رفیعیان و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۰). عدالت در اسلام پایه و اساس هرگونه فعالیت اجتماعی است و از آنجا که شهرسازی نیز نوعی فعالیت اجتماعی برای شکل دادن به فضای زندگی به شمار می‌رود، منظور کردن اصل عدالت در شهرسازی از تأکیدات آموزه‌های اسلامی

است (سعیدی رضوانی و نوریان، ۱۳۸۸: ۸۶). عدالت در حوزه جنسیت نیز متأثر از مفهوم کلی آن است. بر این اساس عدالت جنسیتی چنین اقتضا می‌کند که جنسیت افراد مانع از آن نشود که به دلیل ناتوانی در احراز شأن و منزلت شایسته خود، احساس ناکامی و کهنتری کنند (عطارزاده، ۱۳۸۸: ۲۲۸). طرح مقوله عدالت جنسیتی در فضای شهری نیز بر طراحی و برنامه‌ریزی مناسب فضاهای شهری تأکید می‌کند به گونه‌ای که نه تنها در فرایندهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری بایستی زنان حضور داشته باشند، بلکه در طراحی و برنامه‌ریزی فضاهای شهری نیز بایستی به نیازها و الزامات خاص زنان و تفاوت‌های زیستی و فرهنگی و اجتماعی و روانی آن‌ها با مردان توجه شود. رویکرد عدالت جنسیتی موضوعی بسیار مهم در اندیشه توسعه پایدار است که به معنای تأکید بر زنان و لحاظ نظرات و خواسته‌های آن‌ها است (بگون، ۲۰۰۰: ۱۱). در این رویکرد، مسئله اصلی توجه به زنان در شهر و جامعه و سطح عدالتی مورد نیاز آن‌ها است (محمدی، ۱۳۸۷: ۵۷). سیلستاین معتقد است که عدالت جنسیتی در شهر و فضای شهری حرکتی است از رفتارهای خودسرانه و خودخواهانه در شهر به سوی رفتارهای عقلانی، موجه و متعادل که در ارتباط با روابط اجتماعی عادلانه است (سیلستاین، ۲۰۰۵: ۳). معانی استنباطی از عدالت جنسیتی در فرایند برنامه‌ریزی شهری به خصوص فضاهای عمومی شهری عبارت هستند از:

- توجه به زنان به عنوان نوع انسان، فارغ از ارزش‌گذاری‌ها و باورهای قومی و فرهنگی و سنتی که جایگاه زنان را به عنوان مخلوقات پایین‌تر از جنس مسلط یا مردان می‌نگرند.
- برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای عمومی شهرها بر اساس تفاوت‌هایی ماهوی که به لحاظ فیزیولوژیکی و روحی و روانی میان مردان و زنان وجود دارد و نه بر اساس تدوین استانداردهایی که تفاوت میان زن و مرد را ناپدید می‌انگارد.
- توجه به عدالت رویه‌ای به عنوان فرایندی برای اتخاذ رویکردهایی برای دخیل کردن زنان در فرایند تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها.



- توجه به نیازهای و شرایط خاص زنان در محیط‌های شهری، به عنوان مثال تانکس (۱۳۸۸: ۱۴۹) یکی از شاخص‌های رویکرد عدالت جنسیتی را وجود امنیت در محیط‌های شهری برمی‌شمارد.

مروری بر مطالعات پیشین: مطالعات مختلفی دربارهٔ تجارب زنان در فضای عمومی شهری وجود دارد. در چند دههٔ اخیر، محققان، شیوه‌های حرکتی زنان، تفریحات و رفتارهای روزانه آن‌ها را به خصوص رفتارهایی که ناشی از مسئولیت‌های زنانه آن‌ها است و به واسطهٔ جنسیت آن‌ها به آن‌ها تحمیل شده، در طراحی و برنامه‌ریزی مدرن شهری مطالعه و بررسی کرده‌اند. بسیاری از تحقیقات رفتاری محیطی موجود، به محدودیت‌های مؤثر بر استفاده زنان از فضای عمومی شهری توجه کرده‌اند. این محدودیت‌ها شامل محدودیت منابع (مانند محدودیت‌های مالی و زمانی)، احساسات منفی (مانند استرس و ترس)، مسئولیت‌های بازدارنده (مانند کارهای خانه و مراقبت از کودکان)، شرایط و هنجارهای اجتماعی محدودکننده (مانند هنجارهای جنسیتی محدودکننده، برنامه و طرح‌های افراطی) می‌باشد (دای^۱، ۲۰۰۰: ۱۷). در ایران نیز در سال‌های اخیر به ویژه با افزایش نسبی سهم زنان در حوزه‌های تحصیلی، اقتصادی، سیاسی، مدیریتی، مطالعات متعددی در خصوص ضرورت توجه به زنان در برنامه‌ریزی‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انجام شده است که حوزهٔ برنامه‌ریزی شهری و طراحی شهری نیز از این امر مستثنی نبوده‌اند.

سوزان تامپسون و کارولین وایتن (۱۳۸۷) در پژوهشی نیازهای فضایی عمومی زنان مسلمان را در سیدنی استرالیا بررسی کرده است. در بررسی‌های آن‌ها زنان مسلمان اظهار کرده‌اند درحالی که استرالیا خانه آن‌ها است، اما حس تعلق به این اجتماع ندارند، آن‌ها این موضوع را به تجربیات شخصی‌شان از تبعیض، پیش‌داوری و تجاوز به حقوق افراد مرتبط می‌دانسته‌اند. استفاده زنان مسلمان از فضاهای عمومی ورزشی چون شنا و ژیمناستیک در این کشور با محدودیت‌های زیادی به واسطه قوانین خاص اسلام مواجه است و این عامل باعث کاهش حضور زنان در این فضاهای عمومی شده است. از نظر نویسندگان، برنامه‌ریزی برای اجتماعات چند فرهنگی در فرایندی پیچیده، نیازمند فهم و میلی برای درک رهیافت‌های

مبتکرانه در جهت تضمین این موضوع است که همه شهروندان دارای حس تعلق باشند. رضازاده و محمدی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «طراحی فضای محله‌ای با تأکید بر رویکرد عدالت جنسیتی و چارچوب اصول اخلاقی مراقبتی» به این نتیجه رسیده‌اند که شناخت و درک نیازهای زنان از یک طرف و ایجاد حقوق مدنی و قانونی درباره حضور آنها در فضای شهری از طرف دیگر، مهم‌ترین اصل برای طراحی و برنامه ریزی فضاهای عمومی شهری فارغ از بی‌عدالتی‌های جنسیتی است. همچنین مشارکت زنان در امر تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی فضاهای شهری می‌تواند در اعاده حقوق از دست رفته آنها مؤثر باشد. با توجه به رویکردهای مشمولیت و فقدان مشمولیت زنان در فضاهای شهری، فضاهای محله‌ای می‌تواند نقطه شروعی برای ایجاد فضاهایی پاسخگو و امن به نیازهای زنان و گروه‌های مرتبط با آنها باشد.

رفعیان و همکاران (۱۳۸۷) در پژوهشی به سنجش شاخص‌های مؤثر بر مطلوبیت فضاهای عمومی شهری از منظر زنان اقدام کرده‌اند. نتایج تحقیق نشان داد که از نظر زنان دو شاخص اجتماع‌پذیر بودن فضا و نظارت اجتماعی در آن بیش‌ترین ارتباط را با میزان مطلوبیت فضای عمومی شهری دارد. همچنین بیش از ۵۰ درصد از پاسخگویان از این فضا در جهت فعالیت‌های گزینشی و انتخابی خود استفاده می‌کرده‌اند و بدین ترتیب می‌توان محدوده میدان نبوت را یکی از فضاهای عمومی شهری دانست.

مهدی‌زاده (۱۳۸۷) در پژوهشی نظری از ماهیت پدرسالارانه شهرسازی مدرن انتقاد می‌کند که با همه دعاوی آزادی و برابری، در بسیاری از موارد نیازهای و ارزش‌های زنانه را نادیده گرفته است. به نظر او جنبش توسعه پایدار و جنبش زنان در جهان نشان داده است که در شرایط دنیای امروز دستیابی به یک جامعه پایدار و عادلانه بدون مشارکت و حضور فعال زنان امکان‌پذیر نیست و به همین دلیل در دهه‌های اخیر موضوع رابطه برابری و جنسیت به یک گفتمان اصل در شهرسازی بدل شده است. به همین دلیل دستیابی به شهرهایی امن‌تر، زیباتر و مهرباتر را نیازمند تأکید بر نقش عوامل جنسیتی و ارزش‌های زنانه در بخش‌ها و ابعاد مختلف برنامه‌ریزی شهری چون مسکن، حمل و نقل، فراغت و فعالیت می‌داند.

بمانیان و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی امنیت محیط‌های شهری با رویکرد جنسیتی در پارک شهر تهران را مطالعه کرده‌اند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین احساس امنیت



ادراک شده از فضا و میزان تردد و استفاده از فضا رابطه مستقیمی وجود دارد. همچنین تحقیق نشان داد که درسنجش شاخص‌های بعد اجتماعی - کالبدی، عامل میزان آشنا بودن محیط نسبت به عامل شهرت فضا، اهمیت بیش‌تری دارد و در بعد اجتماعی نیز شاخص عدالت اجتماعی فضا و اهمیت چیرگی جنسیتی در احساس امنیت ذهنی زنان نسبت به سایر شاخص‌ها اهمیت بیش‌تری دارد.

رضازاده و محمدی (۱۳۹۱) در پژوهشی تحلیلی - نظری، رویکردهای مورد توجه در خصوص حضورپذیری زنان در فضاهای شهری را بررسی و دو رویکرد عدالت جنسیتی و مشمولیت را نقد کرده‌اند. قدرت و نفوذ پدرسالاری، مفاهیم دوگانه عمومی در برابر خصوصی، مردان در برابر زنان و کار در برابر خانه را در برنامه‌ریزی و طراحی محیط مصنوع ایجاد کرده است و این مسائل بر مقبولیت رویکرد عدم مشمولیت زنان صحنه گذاشتند. رویکرد عدم مشمولیت زنان به ظهور ایده جدایی جنسیتی، جدایی فعالیت‌ها و فضاها در اصول برنامه‌ریزی، طراحی و منطقه‌بندی منجر شد. در مقابل رویکرد مشمولیت، با توجه به ضرورت و بهره‌مندی زنان از بودن در فضا، به حضور زنان در فضای شهری توجه می‌کند. بررسی دیدگاه حقوق مدنی و شهروندی نشان می‌دهد که زنان به عنوان شهروند کامل حق حضور در فضای شهری را دارند و رویکرد رفتاری نیز بر ضرورت حضور زنان در فضا به دلیل تأثیر آن بر گروه‌های تحت مراقبت و خانواده‌آن‌ها تأکید دارند.

گود من^۱ (۱۹۸۶) بیان می‌دارد که دسترسی فیزیکی و روانی به فضاهای عمومی نکته اصلی در برنامه‌ریزی تمام عرصه‌های عمومی شهری به حساب می‌آید. امری که هم فراهم‌کننده فرصت دسترسی و هم ابزاری برای افزایش کیفیت زندگی است. همین نکته را بایومر^۲ (۲۰۱۱) این چنین عنوان می‌کند که ایمنی فضاهای شهری علاوه بر بُعد کالبدی، ابعاد اجتماعی بالایی نیز دارد که نیاز به طراحی و برنامه‌ریزی فضاهای عمومی شهری را به صورت تعاملی ضروری می‌کند.

روش پژوهش

مطالعه حاضر، مطالعه‌ای توصیفی - تحلیلی است. مهم‌ترین ابزار برای گردآوری داده‌های

1. Goodman
2. Baiomer

بخش نظری تحقیق، مطالعات کتابخانه‌ای و برای بخش تجربی تحقیق، داده‌های پرسشنامه‌ای بوده است. برای تدوین گویه‌های تحقیق در بخش تجربی، از گزاره‌های تحقیق و یافته‌های بخش نظری (مبانی نظری و پیشینه تحقیق) استفاده شد. اعتبار پرسشنامه مبتنی بر انجام دادن روایی صوری و همچنین بهره‌گیری از نظرات اساتید، صاحب‌نظران و دانشجویان دکتری ذیصلاح در جهت سنجش اعتبار محتوایی است. همچنین برای محاسبه انسجام درونی ابزار و همسازي گویه‌ها از پیش‌آزمون و ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که عدد به دست آمده (۰/۸۸۸) نشان از مناسب بودن گویه‌ها و پایایی آنها دارد.

جامعه آماری تحقیق شامل کلیه زنان ۱۵ سال به بالای حاضر در پارک ملت و پارک بانوان حجاب بود که با توجه به نامشخص بودن جامعه آماری تحقیق، از روش کوکران برای برآورد تعداد نمونه استفاده شد. تعداد نمونه برابر با ۲۸۸ نمونه برآورد شد که به منظور کیفیت بهتر و پوشش خطاهای احتمالی تا ۳۰۰ نمونه افزایش یافت که به نسبت برابر، در دو محدوده مورد مطالعه توزیع شد. محدوده مورد مطالعه شامل پارک بانوان حجاب واقع در محدوده شهرداری منطقه دو و پارک بزرگ ملت واقع در منطقه یازده شهر مشهد بود.

$$n = \frac{pqz^2}{d^2} = \frac{0.25 * 0.75 * 1.96^2}{0.0025} = 288$$

یافته‌های پژوهش

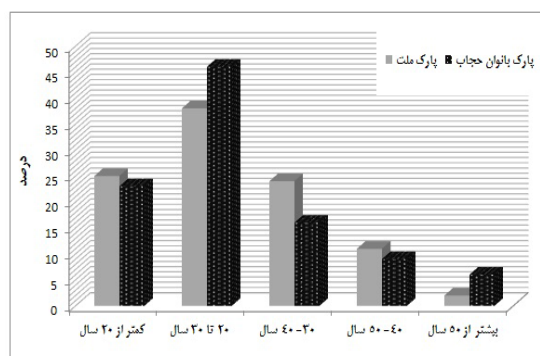
یافته‌های توصیفی: در محدوده‌های مورد مطالعه میانگین سن پاسخگویان برابر با ۲۹ سال بوده است. در پارک ملت ۵۹ درصد پاسخگویان متأهل و ۳۹ درصد مجرد و در پارک بانوان حجاب ۶۲ درصد متأهل و ۳۳ مجرد بودند. حداقل سن پاسخگویان برابر با ۱۲ و حداکثر سن برابر با ۷۰ سال بوده است. بیش‌ترین تعداد پاسخ‌دهندگان در گروه سنی ۲۰ تا ۳۰ سال و کم‌تر از ۲۰ سال قرار داشته‌اند (جدول ۱). میانگین بعد خانوار در پارک ملت ۴/۱۴ و در پارک بانوان حجاب ۴/۰۹ بوده است. از کل پاسخ‌دهندگان در محدوده پارک ملت ۵۶ درصد مالک و ۴۳ درصد مستأجر بودند. این نسبت‌ها برای پارک بانوان حجاب برابر با ۵۶ و ۴۱ درصد است.^۱ در محدوده پارک ملت بیش‌ترین تعداد کاربران را زنان خانه‌دار و محصلان تشکیل می‌دهد.

۱. در یافته‌های توصیفی داده‌های از دست رفته یا اظهار نشده ارائه نشده‌اند به همین دلیل ممکن است در برخی موارد مجموع درصدها به ۱۰۰ درصد نرسد.

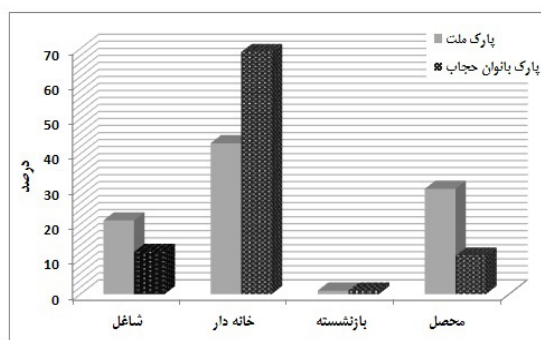


در حالی که در پارک بانوان حجاب بیش‌ترین تعداد کاربران از زنان خانه‌دار بوده‌اند (شکل ۲). به لحاظ وضعیت تحصیلی، بیش‌ترین تعداد کاربران در هر دو پارک، مدرک تحصیلی دیپلم و فوق دیپلم داشته‌اند (شکل ۳). میانگین فاصله طی شده توسط پاسخگویان برای رسیدن به پارک ۸۸۲ متر و برای پارک بانوان حجاب ۱۲۰۰ متر بوده است. عدد مربوط به پارک بانوان حجاب نشان می‌دهد که به دلیل اختصاصی بودن آن برای بانوان، میزان مسافت طی شده توسط بانوان نسبت به پارک ملت که مختلط است، بیش از ۵۰ درصد بالاتر است.

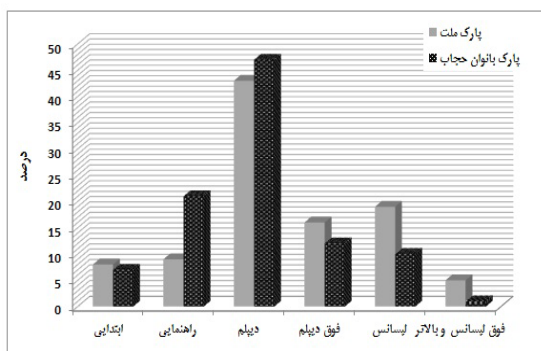
بر اساس نظر پاسخگویان، مهم‌ترین انگیزه زنان از حضور در پارک ملت به ترتیب آوردن فرزندان به پارک، ورزش و تفریح و نیاز به آرامش روحی و روانی بوده است؛ در حالیکه برای پارک بانوان حجاب مهم‌ترین انگیزه‌های حضور به ترتیب ورزش و تفریح، آوردن فرزندان به پارک و نیاز به آرامش روحی و روانی بوده است. این تفاوت در واقع نشان می‌دهد که در صورت وجود فضای مناسب، ورزش می‌تواند یکی از انگیزه‌های مهم بانوان برای حضور در فضاهای عمومی باشد (شکل ۵). به لحاظ وضعیت و کمیت حضور در پارک ملت بیش‌تر پاسخگویان هفته‌ای یکبار برای اهداف مختلف به این پارک می‌آیند، در حالیکه در پارک بانوان حجاب بیش‌تر پاسخگویان اظهار کرده‌اند که هر دو یا سه هفته یک بار برای اهداف مختلف در این پارک حضور می‌یافته‌اند. شاید بتوان کمبود تعداد پارک‌های بانوان در شهر مشهد و فاصله زیاد آن با نقاط مختلف شهر را یکی از عوامل حضور با فاصله زنان در این پارک دانست (شکل ۶).



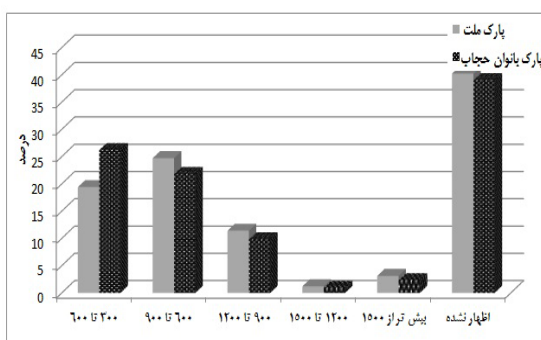
شکل ۱: توزیع پاسخگویان بر اساس گروه‌های سنی عمده



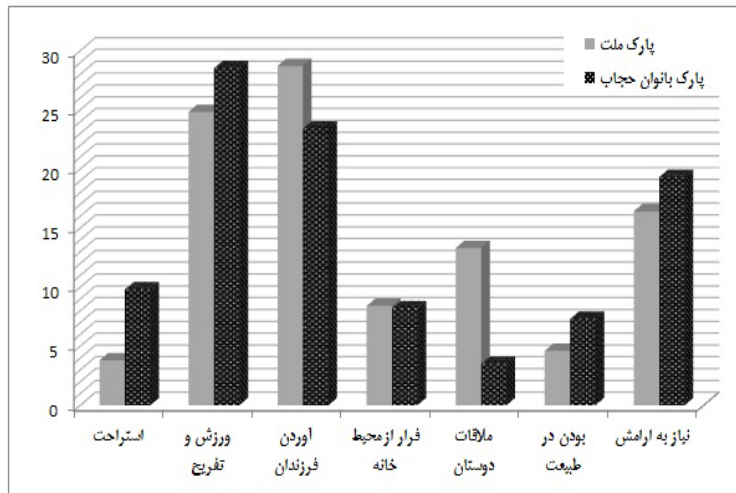
شکل ۲: توزیع پاسخگویان بر اساس وضعیت اشتغال



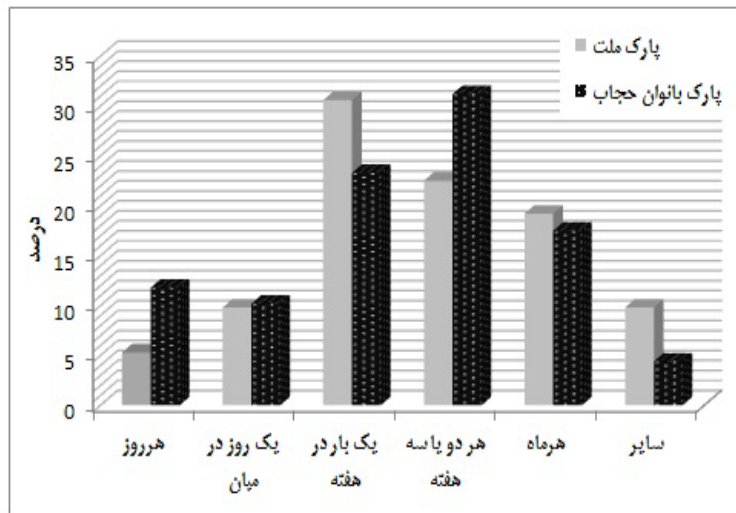
شکل ۳: توزیع پاسخگویان بر اساس وضعیت تحصیلات



شکل ۴: وضعیت درآمدی پاسخگویان (هزار تومان)



شکل ۵: مهمترین انگیزه‌ها برای حضور در پارک



شکل ۶: کمیت حضور پاسخگویان در محدوده‌های مورد مطالعه

یافته‌های تحلیلی و استنباطی: این بخش از یافته‌های تحقیق به دو بخش مجزا تفکیک شده‌اند. در بخش اول که با استفاده از مدل تحلیل عاملی اکتشافی انجام شد، هدف، شناخت

مهم‌ترین کارکردهای پارک‌های شهری به عنوان جزئی از فضای عمومی شهرها در زندگی شهروندان با تأکید بر (به طور خاص زنان) بوده است. نظر به اینکه در مبنای نظری پژوهش‌های انجام شده در خصوص نقش و جایگاه فضاهای عمومی و پارک‌ها در توسعه پایدار شهری و کیفیت بخشی به زندگی شهروندان بر اهمیت کارکردهای متنوع اکولوژیکی، فرهنگی و آموزشی، اجتماعی، روانی این فضاها برای شهروندان اشاره شده است، یکی از اهداف این تحقیق نیز بر ارزیابی و راستی آزمایی این نظریه‌ها متمرکز شد.

برای بررسی کفایت نمونه‌ها برای تحلیل عاملی از آزمون‌های کایزر - مایر - اولکین (KMO) و بارتلت استفاده شد. مقادیر آزمون کایزر مایر اولکین همواره بین صفر و یک در نوسان است، در صورتی که KMO کم‌تر از ۰/۵ باشد، داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب نخواهد بود و اگر مقدار آن بین ۰/۵ تا ۰/۶۹ باشد، کفایت داده‌ها در حد متوسط و اگر مقدار این شاخص بزرگ‌تر از ۰/۷ باشد، همبستگی‌های موجود در بین داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب خواهند بود. همچنین آزمون باتلت نیز آزمونی است که از آن برای بررسی کفایت نمونه‌ها در تحلیل عاملی اکتشافی استفاده می‌شود. در این آزمون فرض صفر به این معناست که نمونه‌های گرفته شده دارای کفایت لازم نیستند و در مقابل فرض یک بر این اساس است که نمونه‌های گرفته شده برای تحلیل عاملی متغیرهای مورد نظر دارای کفایت لازم هستند. همان‌گونه که در خروجی تصویر داده شده (شکل ۱) مشاهده می‌شود، از آنجا که میزان Sig کم‌تر از ۵ درصد است، بنابراین، می‌توان چنین استنباط کرد که در سطح خطای ۵ درصد یا سطح اطمینان ۹۵ درصد فرض صفر تأیید نشده و بنابراین فرض یک یعنی کفایت مدل پذیرفته می‌شود.

Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.		.809
Bartlett's Test of Sphericity	Approx. Chi-Square	1029.641
	df	389
	Sig.	.000

شکل ۷: آزمون کایزر مایر اولکین و بارتلت برای بررسی کفایت نمونه‌ها

یافته‌های مربوط به تحلیل عاملی اکتشافی (جدول ۱) گویای آن است که ۱۹ گویه مورد استفاده در پژوهش در ۴ عامل اصلی تلخیص شده‌اند. این عوامل به طور مشترک بیش از نیمی (۵۳ درصد) از تغییرات متغیر وابسته تحقیق یعنی دلایل حضور شهروندان (به طور خاص زنان) در پارک‌های شهری را تبیین کرده‌اند. عامل نخست که ۵ گویه را شامل می‌شود، به



عنوان کارکرد تسکین و آرامش بخشی نام‌گذاری شد. گویه‌های این عامل نشان‌دهنده نقش پارک‌های شهری به عنوان گونه‌ای از فضاهاى عمومی شهری در ایجاد احساس آرامش و تسکین برای انسان است و در این بین نقش طبیعت و ارتباط با محیط‌های طبیعی موضوعی است که این عامل بر آن تأکید می‌کند. چرا که ارتباط انسان با محیط طبیعی اصلی برای نوع بشر اجتناب‌ناپذیر است. یکی از ابعاد وجودی انسان در کنار بعد اجتماعی، بعد طبیعی است. انسان موجودی است که از خاک آفریده شده و به خاک بازخواهد گشت، بخشی از هویت و ریشه خود را همواره در خاک و مکان جستجو می‌کند و به همین دلیل وجود رابطه و انس با طبیعت، در ارتقاء کیفیت زندگی شهرنشینان نقش مهمی داشته و دارد. این عامل به تنهایی ۱۵/۳ درصد از کل واریانس متغیر وابسته تحقیق را تبیین کرده است. عامل دوم که آن نیز دربرگیرنده ۶ گویه تحقیق است، به عنوان کارکرد اجتماعی و فرهنگی پارک‌های شهری نام‌گذاری شد. این عامل نیز به تنهایی ۱۴/۶ درصد کل متغیر وابسته را تبیین کرده است. عامل سوم که ناظر بر کارکرد روان‌شناختی پارک‌های شهری است، ۳ گویه را دربرمی‌گیرد که ۱۱/۹ درصد تغییرات متغیر وابسته تحقیق را به خود اختصاص داده است و در نهایت عامل چهارم که تحت عنوان کارکرد فراغتی - اجتماعی نام‌گذاری شد، دربرگیرنده ۵ گویه است که این عامل نیز ۱۱/۳ درصد کل واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کند.

جدول ۱: ضریب همبستگی گویه‌ها و عامل‌های مستخرج از تحلیل عاملی

نام گذاری عامل‌ها	عامل چهارم	عامل سوم	عامل دوم	عامل اول	گویه‌ها
کارکرد آرامش بخشی و تسکین				۰/۶۷۴	نیاز به تماس با طبیعت و فضای سبز به عنوان بخش ضروری از زندگی
				۰/۷۱۳	ایجاد احساس آرامش و نشاط با حضور در پارک و تماس با طبیعت
				۰/۵۲۲	کاهش بار مشکلات و گرفتاری‌ها با حضور در پارک و دیدن مناظر طبیعی و مردم و خانواده‌ها
				۰/۶۴۰	بهبود سلامت جسمی و روحی - روانی با شرکت در فعالیت‌های ورزشی و تفریحی در پارک‌های شهر
کارکرد آموزشی - فرهنگی				۰/۶۰۴	حضور در پارک‌های شهری برای فرار از خشونت محیط‌های شهری
				۰/۶۱۳	آشنایی بیشتر تر با فرهنگ زندگی شهری و حقوق و وظایف شهروندان با شرکت در فعالیت‌های گروهی و دوستانه در پارک‌های شهری
				۰/۶۵۶	افزایش دانش و آگاهی سیاسی با شرکت در فعالیت‌های گروهی و دوستانه در پارک‌های شهری
				۰/۷۱۴	آشنایی بیشتر تر با فرهنگ‌ها و ارزش‌ها و آداب و رسوم سایر اقوام و گروه‌های شهری با حضور در پارک‌های شهری
				۰/۴۵۱	احساس افزایش و بهبود کارایی در حوزه شخصی، شغلی، خانوادگی و تحصیلی با حضور در پارک‌های شهری
				۰/۶۵۵	احساس ایجاد و بهبود همبستگی و انسجام با سایر شهروندان با حضور در پارک‌ها و فضاهای عمومی شهر
				۰/۴۹۳	آشنایی بیشتر با مفاخر و دانشمندان ایرانی از طریق مشاهده تندیسهای آن‌ها در پارک‌های شهری
کارکرد روانشناختی				۰/۵۵۷	حضور در پارک‌های شهری برای رفع خستگی‌های روحی، روانی و جسمی ناشی از فعالیت‌های روزمره
				۰/۷۵۲	حضور در پارک‌های شهری برای فرار از یک‌نواختی و کسالت محیط شهر و خانه
				۰/۵۵۷	احساس آزادی و استقلال بیشتر تر در پارک‌ها و فضاهای عمومی شهری
کارکرد فراغتی - اجتماعی				۰/۶۱۴	حضور در پارک‌های شهری برای انجام دادن فعالیت‌های ورزشی
				۰/۳۱۰	افزایش آگاهی‌های اجتماعی با شرکت در فعالیت‌های گروهی و جمعی در پارک‌ها
				۰/۵۳۴	دوستانی دارم که زمینه آشنایی من با آن‌ها در پارک‌ها بوده است.
				۰/۵۹۶	من برخی اوقات راه حل مشکلاتم را از گفتگو و مشورت با افرادی که در پارک حضور دارند، پیدامی‌کنم.
			۰/۷۲۱	تلاش برای حضور و استفاده از برنامه‌های فرهنگی پارک‌های شهری مانند مسابقات، دوره‌های آموزشی و...	



رضایت‌مندی زنان از فضاهای عمومی (پارک‌های شهری): همان‌گونه که در طرح مسئله نیز عنوان شد یکی از اهداف اصلی و مهم تحقیق بررسی تطبیقی میزان رضایت‌مندی زنان از پارک‌های شهری به خصوص پارک‌های بانوان و مختلط بود. یافته‌های این بخش از تحقیق نشان خواهند داد که آیا ایجاد پارک‌های بانوان و تفکیک جنسیتی در فضاهای عمومی و پارک‌های شهری با توجه به مختصات خاص فرهنگی جامعه ایران می‌تواند در افزایش رضایت‌مندی و بالتبع افزایش حضور زنان در فضاهای عمومی و پارک‌های شهری تأثیرگذار باشد یا خیر؟

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که میانگین امتیاز رضایت‌مندی (۳/۲۱) زنان از پارک بانوان حجاب مشهد اندکی بیش‌تر از امتیاز میانگین پارک مختلط ملت (۳/۰۹) است، ولی با این حال تفاوت نمرات میان این دو پارک به گونه‌ای نیست که بتواند نشان از تفاوت معنادار آن دو باشد. مقدار Sig به دست آمده برابر با ۰/۲۳۹ است که بالاتر از ۰/۰۵ بوده و نشان می‌دهد تفاوت معناداری میان رضایت‌مندی زنان از پارک بانوان حجاب و پارک مختلط ملت وجود ندارد.

تحلیل‌های بیش‌تر بر اساس اطلاعات جداول ۲ و ۳ گویای آن است که در جدول ۲ پایین‌ترین میانگین امتیازات مربوط به ۹، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ است. یعنی سؤالاتی که دربرگیرنده نیازهای خاص زنان در پارک‌های شهری بوده است. این امر نشان از ندیدن زنان و گروه‌های خاص در طراحی و برنامه‌ریزی شهری ایران و حاکم بودن نگرش مردسالارانه در آن‌ها است. اطلاعات جدول ۳ نشان می‌دهد که رضایت‌مندی زنان از گویه‌های سؤالات فوق افزایش یافته است، اما با این حال تفاوت امتیاز میانگین سؤال ۱۳ در جداول ۲ و ۳ که از ۲/۷۷ به ۱/۸۶ رسیده است، گویای آن است که توقع کاربران زن از پارک مختص بانوان، بسیار بیش‌تر از پارک مختلطی است که تفکیک جنسیتی در آن وجود ندارد. تحلیل سؤال ۱۰ در هر دو جدول نشان می‌دهد که تفکیک جنسیتی و ایجاد پارک بانوان و نبود مردان باعث ارتقاء رضایت کاربران شده است و میانگین امتیازات رضایت‌مندی کاربران را از ۳/۰۵ به ۳/۱۹ افزایش داده است.

جدول ۲: میانگین امتیاز رضایت‌مندی زنان از پارک‌های شهری در بخش‌های مختلف (پارک مختلط ملت)

ردیف	گویه‌های تحقیق	میانگین	نما	انحراف معیار
۱	احساس آرامش از حضور در پارک و قدم زدن در آن	۳,۳۴	۳	۱,۱۶۲
۲	احساس راحتی و آرامش از ورزش کردن و استراحت و تفریح در این پارک	۳,۴۲	۴	۱,۰۵۰
۳	رضایت‌مندی از کیفیت طراحی پارک	۳,۴۵	۴	۱,۱۴۱
۴	رضایت‌مندی از کیفیت مبلمان پارک (نیمکت‌ها، چراغ‌ها، تیرهای برق و...)	۳,۰۶	۳	۰,۹۵۰
۵	رضایت‌مندی از گونه‌های گیاهی، درختان و گل‌های کاشته شده در پارک	۳,۵۰	۴	۱,۰۴۷
۶	رضایت‌مندی از امکانات و فضاهای ورزشی و تفریحی پارک	۳,۲۵	۳	۱,۰۹۲
۷	رضایت‌مندی از امکانات فرهنگی و هنری پارک مانند کتابخانه، مسجد و ...	۲,۹۶	۳	۱,۰۴۵
۸	رضایت‌مندی از موقعیت جغرافیایی و وضعیت دسترسی به پارک	۳,۱۶	۳	۱,۱۳۶
۹	رضایت از تناسب امکانات، تأسیسات و خدمات پارک با نیازهای خاص زنان	۲,۷۶	۳	۱,۰۷۶
۱۰	میزان احساس راحتی و آرامش پارک به واسطه مختلط بودن و وجود مردان	۳,۰۵	۳	۱,۳۰۲
۱۱	مناسب بودن زمینه برای انجام‌دادن تعاملات اجتماعی و فعالیت‌های جمعی برای زنان در پارک	۲,۸۴	۳	۱,۱۳۹
۱۲	احساس امنیت از انجام فعالیت‌های ورزشی و تفریحی در پارک به صورت انفرادی و تنها	۲,۶۲	۳	۱,۱۵۳
۱۳	به نظر شما تا چه حد امکانات برای فعالیت‌های ورزشی و تفریحی خاص زنان در این پارک فراهم است.	۲,۷۷	۳	۱,۱۱۷
	میانگین	۳,۰۹	۳,۲۳	۱,۱۰۸



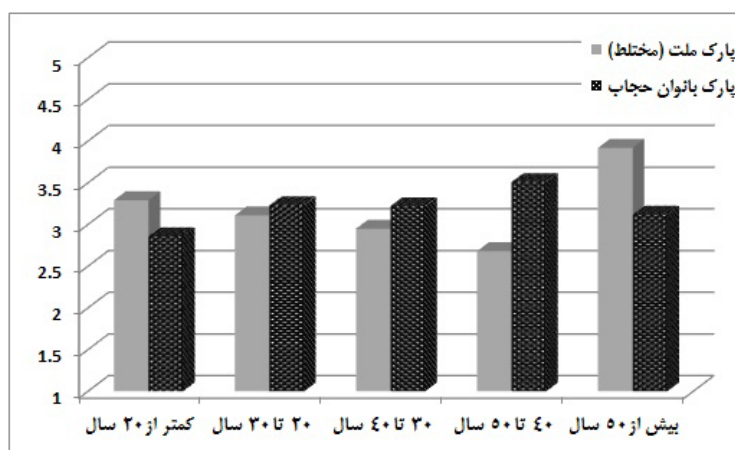
جدول ۳: میانگین امتیاز رضایت‌مندی زنان از پارک‌های شهری در بخش‌های مختلف (پارک بانوان حجاب)

ردیف	گویمه‌های تحقیق	میانگین	نما	انحراف معیار
۱	احساس آرامش از حضور در پارک و قدم زدن در آن	۳,۶۹	۴	۱,۳۴
۲	احساس راحتی و آرامش از ورزش کردن و استراحت و تفریح در این پارک	۳,۵۸	۳	۱,۱۰۶
۳	رضایت‌مندی از کیفیت طراحی پارک	۳,۳۰	۳	۰,۹۸۸
۴	رضایت‌مندی از کیفیت مبلمان پارک (نیمکت‌ها، چراغ‌ها، تیرهای برق و...)	۳,۲۴	۳	۰,۹۴۲
۵	رضایت‌مندی از گونه‌های گیاهی، درختان و گل‌های کاشته شده در پارک	۳,۴۱	۳	۰,۹۹۹
۶	رضایت‌مندی از امکانات و فضاهای ورزشی و تفریحی پارک	۳,۱۳	۳	۰,۹۶۴
۷	رضایت‌مندی از امکانات فرهنگی و هنری پارک مانند کتابخانه، مسجد و ...	۲,۹۷	۳	۰,۰۷۹
۸	رضایت‌مندی از موقعیت جغرافیایی و وضعیت دسترسی به پارک	۳,۲۴	۴	۰,۲۰۶
۹	رضایت از تناسب امکانات، تأسیسات و خدمات پارک با نیازهای خاص زنان	۳,۱۴	۳	۱,۱۷۲
۱۰	میزان احساس راحتی و آرامش از فضای پارک به واسطه نبود مردان	۳,۱۹	۳	۱,۰۹۰
۱۱	مناسب بودن زمینه برای انجام تعاملات اجتماعی و فعالیت‌های جمعی برای زنان در پارک	۳,۴۸	۳	۱,۳۲۸
۱۲	احساس امنیت از انجام فعالیت‌های ورزشی و تفریحی در پارک به صورت انفرادی و تنها	۳,۳۱	۳	۰,۹۵۴
۱۳	به نظر شما تا چه حد امکانات برای فعالیت‌های ورزشی و تفریحی خاص زنان در این پارک فراهم است.	۱,۸۶	۱	۰,۹۸۲
	میانگین	۳,۲۰	۳	۰,۹۳۵

تعیین‌کننده‌های اجتماعی - اقتصادی رضایت‌مندی: مروری بر مطالعات متعدد، که در خصوص رضایت‌مندی در حوزه‌های مختلف انجام شده، نشان می‌دهد که علاوه بر عوامل فضایی، عوامل غیر فضایی همانند متغیرهای اجتماعی و اقتصادی و تفاوت در آن‌ها نیز در تبیین رضایت‌مندی شهروندان نقش مهمی داشته‌اند. در این بخش از پژوهش، نقش متغیرهای اجتماعی و اقتصادی در کیفیت رضایت‌مندی زنان از پارک‌های شهری بررسی خواهد شد.

سن: یافته‌های پژوهش نشان داد که در هر دو پارک مورد مطالعه (پارک ملت و پارک بانوان حجاب) سطح رضایت‌مندی در میان گروه‌های مختلف سنی تفاوت معناداری ندارد.

ضریب معناداری (Sig) بین گروه‌های سنی برای پارک بانوان حجاب برابر با ۰/۵۰۰ و برای پارک مختلط ملت برابر با ۰/۰۶۸ به دست آمده است که نشان‌دهنده فقدان تفاوت معنادار رضایت‌مندی بین گروه‌های سنی است، اما نکته مهم در تحلیل میانگین امتیاز رضایت‌مندی در پارک بانوان و ملت گویای آن است که در پارک ملت کم‌ترین امتیازات مربوط به گروه‌های سنی بی ۳۰ تا ۵۰ سال است. به نظر می‌رسد این گروه‌ها عمدتاً دربرگیرنده زنان متأهلی باشد که برای تفریح و تعاملات اجتماعی و گردش کودکان به پارک می‌آیند و وجود جوانان و مردان غریبه برای آن‌ها که خود صاحب همسر و فرزند هستند، خوشایند نبوده است. اما در سوی دیگر در پارک بانوان حجاب امتیازات گروه‌های سنی فوق افزایش یافته و در مقابل امتیاز گروه سنی کم‌تر از ۲۰ سال از ۳/۲۹ در پارک ملت به ۲/۸۶ در پارک بانوان رسیده است. به نظر می‌رسد تفاوت در خواسته‌ها و نیازها و نوع تعاملات اجتماعی، گرایش به جنس مخالف و نیاز به دیده شدن توسط آن‌ها و ... از جمله عواملی است که باعث شده این گروه سنی از پارک‌های مختلط نسبت به پارک‌های ویژه بانوان احساس رضایت‌مندی بیشتری داشته باشند.



شکل ۸: تفاوت امتیازات رضایت‌مندی گروه‌های مختلف سنی زنان از پارک‌های شهری

تحصیلات: یافته‌های مربوط به نقش متغیر مستقل سطح تحصیلات در رضایت‌مندی



بانوان از پارک‌های شهری نشان می‌دهد که در پارک بانوان حجاب بین گروه‌های مختلف تحصیلات تفاوت معناداری مشاهده نشده است و ضریب معناداری برابر با ۰/۸۹۴ به دست آمده است، اما در مقابل در پارک مختلط ملت، میان گروه‌های مختلف تحصیلی تفاوت‌های امتیازات معنادار بوده است (ضریب معناداری برابر با ۰/۰۲۲ به دست آمده است). تحلیل تفاوت میانگین‌ها در سطوح تحصیلی مختلف نشان می‌دهد که در پارک بانوان حجاب میانگین امتیاز رضایت‌مندی زنان با تحصیلات متفاوت بیش از ۳ بوده است (۳/۲۴) و در مجموع بیش‌تر از پارک مختلط ملت است (۳/۰۳). در پارک ملت کم‌ترین رضایت‌مندی مربوط به زنان با سطح تحصیلی سیکل و پایین‌تر است و هر چه سطح تحصیلات افزایش یافته است بر رضایت‌مندی زنان افزوده شده است. در واقع به نظر می‌رسد، افزایش سطح تحصیلات همراه با گسترش حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی و افزایش حضور آن‌ها در فضاهای مردانه بر میزان اعتماد به نفس آن‌ها افزوده است و در نتیجه زنان با سطح تحصیلات بالاتر، ترس و ناراحتی کم‌تری از حضور در فضاهای مردانه و پارک‌های مختلط دارند.

جدول ۴: تفاوت امتیازات رضایت‌مندی زنان با سطوح مختلف تحصیلی

سطح تحصیلات	پارک بانوان حجاب	پارک مختلط ملت
سیکل و پایین‌تر	۳,۲۷	۲,۶۹
دیپلم و فوق دیپلم	۳,۱۹	۳,۱۰
لیسانس و بالاتر	۳,۲۷	۳,۳۲

اشتغال: متغیر اشتغال به ویژه برای زنان با توجه به تأثیرات ثانویه اجتماعی و فرهنگی آن، از جمله ویژگی‌های است که در بسیاری از مطالعات اجتماعی به عنوان عاملی مهم مدنظر قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق در خصوص نقش متغیر مستقل وضعیت اشتغال بر رضایت‌مندی بانوان از پارک‌های شهری گویای آن است که در پارک بانوان حجاب میان زنان با وضعیت شغلی مختلف تفاوت معناداری وجود ندارد و مقدار Sig برابر با ۰/۳۴۰ به دست آمده است، در حالیکه این وضعیت برای پارک ملت بر عکس بوده است و امتیاز رضایت‌مندی میان زنان با وضعیت‌های شغلی متفاوت معنادار بوده است و مقدار Sig برابر با ۰/۰۰۰ است. نکته مهم که به گونه‌ای با تحلیل‌های مربوط به وضعیت تحصیلات نیز ارتباط دارد، آن است که در پارک

بانوان بیشترین رضایت‌مندی مربوط به زنان خانه‌دار است، در حالیکه در پارک ملت کم‌ترین امتیاز مربوط به زنان خانه‌دار است. رضایت‌مندی زنان شاغل، محصلان و بازنشستگان در پارک بانوان پایین‌تر از میانه نظری بوده که نشان از فقدان رضایت آن‌ها از پارک بانوان دارد، در حالیکه رضایت‌مندی این سه گروه از پارک ملت که مختلط است، بالاتر از میانه نظری است، به طوری که برای بازنشستگان برابر با ۴/۳۸ به دست آمد. این نتایج در واقع نشان‌دهنده نقش حضور زنان در جامعه و فضاهای مردانه و عمومی و تأثیر آن بر میزان رضایت‌مندی آن‌ها از حضور در این فضاها دارد.

جدول ۵: تفاوت امتیازات رضایت‌مندی زنان با متغیر اشتغال

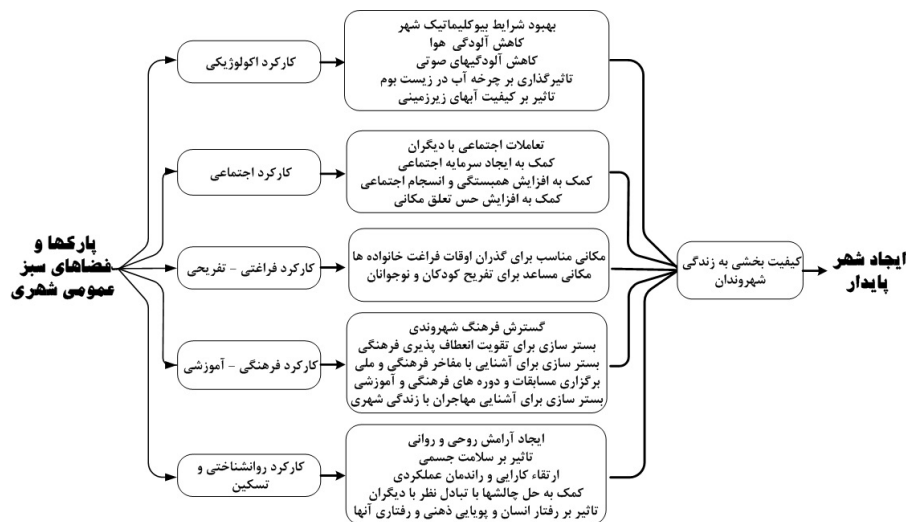
وضعیت اشتغال پارک بانوان حجاب‌پارک مختلط ملت		
شاغل	۲,۹۲	۳,۴۳
خانه دار	۳,۲۸	۲,۷۶
بازنشسته	۲,۸۵	۴,۳۸
محصل	۲,۸۷	۳,۲۳

وضعیت تأهل: بررسی‌های مربوط به نقش متغیر وضعیت تأهل در رضایت‌مندی زنان از پارک‌های شهری نشان می‌دهد که در هر دو پارک مورد مطالعه (بانوان حجاب و ملت)، تفاوت معناداری بین رضایت‌مندی زنان متأهل و مجرد مشاهده نشده است و مقاداری ضریب Sig برای پارک ملت ۰/۳۷۴ و برای پارک بانوان ۰/۲۱۹ بوده است که بیش‌تر از ۰/۰۵ است. با این حال در پارک بانوان میانگین امتیاز زنان متأهل با ۳/۲۸ بیش‌تر از زنان مجرد با ۳/۰۶ بوده است در حالیکه برای پارک ملت این امر برعکس است و میانگین امتیاز زنان متأهل ۳ به دست آمد، در حالیکه این رقم برای زنان مجرد برابر با ۳/۱۴ است. تحلیل یافته‌های مربوط به میانگین امتیازات گویای آن است که زنان مجرد علاقه بیش‌تری برای حضور در پارک‌های عمومی و مختلط را دارند و بر عکس زنان متأهل بیش‌تر ترجیح می‌دهند در پارک‌های بانوان حضور داشته باشند.



بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های تحقیق، در این بخش سعی خواهد شد تا به سؤال‌های آغازین پژوهش پاسخ داده شود. بر اساس یافته‌های پژوهش، کارکرد پارک‌های شهری به عنوان مهمترین فضاهای عمومی شهرها، فقط بر کارکرد اکولوژیکی آن خلاصه نمی‌شود و بلکه برای شهروندان، کارکردهای جانبی آن‌ها همچون کارکردهای اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و روانی از اهمیت بیش‌تری بهره‌مند است. بررسی‌های این پژوهش نشان داد که در محدوده‌های مورد مطالعه، پارک‌های شهری علاوه بر کارکرد اکولوژیکی و زیبایی‌شناختی در فضای شهری، برای کاربران نقش‌های دیگری چون تسکین و آرامش بخشی، آموزشی - فرهنگی، روان‌شناختی و فراغتی - اجتماعی را بر عهده داشته‌اند، به گونه‌ای که بیش از نیمی از رضایت‌مندی زنان از پارک‌های شهری بر وجود و ظهور و بروز کارکردهای فوق در آن‌ها متکی بوده است. در واقع پارک‌های شهری علاوه بر کمک به پایداری شهرها در بعد زیست محیطی و اکولوژیکی، در ابعاد اجتماعی و فرهنگی نیز نقش مهمی در ایجاد کیفیت زندگی بهتر برای شهروندان دارند. آرامش روحی و روانی که از حضور در پارک‌ها و فضاهای سبز عمومی برای شهروندان حاصل می‌شود، زمینه‌ای که برای ایجاد تعاملات اجتماعی و سرمایه اجتماعی، افزایش آگاهی و دانش در حوزه‌های مختلف برای فرد ایجاد می‌شود، از موضوعات مهمی است که امروزه در مباحث مربوط به توسعه پایدار شهری به آن تأکید شده است. شکل ۲ بیان‌کننده نحوه ارتباط بین پارک‌های شهری و نقش آن‌ها در کیفیت بخشی به زندگی شهروندان و ایجاد شهرهای پایدارتر است.



شکل (۹) نقش پارک‌ها و فضاهای سبز عمومی شهری در ایجاد شهرهای پایدار

در خصوص سؤال دوم پژوهش نیز یافته‌های تحلیل بیان‌کننده آن بودند که پارک‌های بانوان هر چند که در آغاز کار خود در ایران قرار دارند و به نظر می‌رسد باید تغییرات زیادی را در نحوه طراحی و مکان‌گزینی و ... به خود ببینند، با این حال، رضایت‌مندی زنان از پارک بانوان حجاب مشهد اندکی بیش‌تر از پارک مختلط ملت بوده است، هر چند که تفاوت نمرات میان این دو پارک به گونه‌ای نیست که بتواند نشان از تفاوت معنادار آن دو باشد. تحلیل‌های جداگانه یک به یک گویه‌ها نشان دادند که در پارک مختلط ملت پایین‌ترین میانگین امتیازات مربوط به ۹، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ است. یعنی سؤالاتی که دربرگیرنده نیازهای خاص زنان در پارک‌های شهری بوده است. این امر نشان از نادیده گرفته شدن زنان و گروه‌های خاص در طراحی و برنامه‌ریزی شهری ایران است. بررسی‌ها نشان داد که توقع کاربران زن از پارکی که مختص بانوان است، بسیار بیش‌تر از پارک مختلطی است که تفکیک جنسیتی در آن وجود ندارد و به ویژه آن چیزی است که امروزه تحت عنوان پارک بانوان در مشهد ایجاد شده است. اطلاعات جداول ۸ و ۹ نشان می‌دهد که تفاوت امتیاز میانگین سؤال ۱۳ در این جداول از ۲/۷۷ به ۱/۸۶ رسیده است. این گویه ناظر بر آن است که «به نظر شما تا چه حد امکانات برای فعالیت‌های ورزشی و تفریحی خاص زنان در این پارک فراهم است». میانگین پایین‌تر امتیاز از



میان‌ه نظری گویای فقدان مطلوبیت در هر دو پارک است، اما با این حال اختلاف فاحش پارک بانوان حجاب با پارک ملت نشان از نارضایتی بیش‌تر کاربران پارک بانوان حجاب از این گویه دارد.

از دیگر یافته‌های این پژوهش می‌توان به تحلیل نقش متغیرهای اجتماعی - اقتصادی در رضایت‌مندی زنان از پارک‌های شهری اشاره کرد. یافته‌ها نشان دادند که تفاوت رضایت‌مندی بین گروه‌های مختلف سنی معنادار نیست، اما با این حال، زنان در گروه سنی بین ۳۰ تا ۵۰ سال رضایت‌مندی بیش‌تری از پارک بانوان داشته‌اند. به نظر می‌رسد این گروه‌ها عمدتاً دربرگیرنده زنان متأهلی باشد که برای تفریح و تعاملات اجتماعی و گردش کودکان به پارک می‌آیند و وجود جوانان و مردان غریبه برای آن‌ها که خود صاحب همسر و فرزند هستند، خوشایند نبوده است. در خصوص نقش تحصیلات، بررسی‌ها نشان دادند که زنان با تحصیلات بیش‌تر و عالی نسبت به زنان دارای سطح تحصیلی پایین‌تر، از پارک‌های مختلط رضایت‌مندی بیش‌تری داشته‌اند و هر چه سطح تحصیلات افزایش یافته است بر رضایت‌مندی زنان افزوده شده است. این نکته برای متغیر اشتغال نیز به گونه‌ای صدق می‌کند، چرا که در پارک مختلط ملت امتیاز رضایت‌مندی میان زنان با وضعیت‌های شغلی متفاوت معنادار بوده است، در حالی که در پارک بانوان این‌گونه نیست. در پارک بانوان بیش‌ترین رضایت‌مندی مربوط به زنان خانه‌دار است، در حالیکه در پارک ملت کم‌ترین امتیاز مربوط به زنان خانه‌دار است. رضایت‌مندی زنان شاغل، محصلان و بازنشستگان در پارک بانوان پایین‌تر از میان‌ه نظری بوده که نشان‌دهنده فقدان رضایت آن‌ها از پارک بانوان و رضایت‌مندی این سه گروه از پارک ملت مختلط است. این نتایج در واقع نشان‌دهنده نقش حضور زنان در جامعه و فضاهای مردانه و عمومی و تأثیر آن بر میزان رضایت‌مندی آن‌ها از حضور در این فضاها است. بر این اساس با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود:

- اهتمام شایسته به آماده‌سازی پارک‌های مختلط موجود برای حضور بانوان و به ویژه خانواده‌ها و پرهیز از ایجاد جدایی‌گزینی‌های مصنوعی و دستوری، موضوعی که در صورت فقدان مواجهه صحیح می‌تواند زمینه مقاومت بیش‌تر بانوان را در آینده ایجاد کند.
- پرهیز از کلیشه‌ای کردن موضوع پارک‌های بانوان و تقلیل آن‌ها به ایجاد حصار و نرده

- در پیرامون یک پارک شهری و تغییر نام آن به پارک بانوان.
- لزوم توجه به نیازها و تفاوت‌های خاص فیزیولوژیکی و روحی و روانی زنان در ایجاد پارک‌های شهری اعم از پارک‌های مختلط یا پارک‌های بانوان
 - نیازسنجی از نیازها و خواسته‌های زنان جامعه ایرانی به ویژه گروه‌های مختلف سنی و طراحی پارک‌های شهری بر اساس نیازهای واقعی آن‌ها.
 - تلاش در جهت ایجاد رویه‌ای در مدیریت‌های شهری برای برنامه‌ریزی زنان برای زنان و حتی زنان برای جامعه به جای الگوی حاکم برنامه‌ریزی که در آن مردان برای زنان و جامعه برنامه‌ریزی می‌کنند.
 - تلاش همه جانبه از سوی حاکمیت، مسئولان و نخبه‌گان سیاسی و علمی برای رفع نابرابری و بی عدالتی در فضای شهری برای تمامی گروه‌ها اعم از زنان، معلولان، کودکان، گروه‌های قومی و مذهبی، کهنسالان و



منابع

- بمانیان، محمدرضا، رفیعیان، مجتبی و ضابطیان، الهام (۱۳۸۷). امنیت تردد زنان در فضاهای شهری و سنجش مشارکت آن‌ها در بخش مرکزی شهر تهران، *تحقیقات زنان*، ۲، (۴): ۳۹-۵۶.
- تامپسون، سوزان و وایتن، کارولین (۱۳۸۷)، تصادم فرهنگی، چالش برنامه ریزی برای نیازهای فضایی عمومی زنان مسلمان، ترجمه و تلخیص سلمان مرادی، *جستارهای شهرسازی*، ۲۴-۲۵، ۱۰۰-۱۰۵.
- تانکیس، فرن (۱۳۸۸). *فضا، شهر و نظریه اجتماعی، مناسبات اجتماعی و شکل‌های شهری*، ترجمه حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- حبیبی، سید محسن (۱۳۷۹). *فضای شهری و حیات مدنی، نشریه هنرهای زیبا*، شماره ۷، صص ۲۱-۳۳.
- رضا زاده، راضیه و محمدی، مریم (۱۳۸۷). طراحی فضای محله‌ای با تأکید بر رویکرد عدالت جنسیتی و چارچوب اصول اخلاقی مراقبتی، *فصلنامه نامه هنر*، دوره جدید، شماره دوم، صص ۵۵-۷۲.
- رضا زاده، راضیه و محمدی، مریم (۱۳۹۱). بررسی حضور پذیری زنان در فضاهای شهری، *هویت شهر*، ۶ (۱۲)، صص ۱۵-۲۶.
- رفیعیان، مجتبی و ضابطیان، الهام (۱۳۸۷). درآمدی بر فضاهای امن شهری با رویکرد جنسیتی، *جستارهای شهرسازی*، ۲۴-۲۵، صص ۴۸-۵۵.
- رفیعیان، مجتبی، نسترن، مهین و عزیز پور، سولماز (۱۳۹۲). ارزیابی رضایت‌مندی از کیفیت فضای شهری با توجه به متغیر کیفیت، *مطالعات اجتماعی - روان‌شناختی زنان*، سال ۱۱ (۴) صص ۳۵-۵۸.
- سعید نیا، احمد (۱۳۷۹). *کتاب سبز شهرداری‌ها*، جلد نهم، فضاهای سبز شهری، مرکز مطالعات برنامه ریزی شهر تهران، تهران.
- سعیدی رضوانی، هادی و نوریان، فرشاد (۱۳۸۸). بازخوانی عدالت در اجرای طرحهای شهری کشور، نمونه میدان شهداء، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۶۸، ۸۵-۱۰۲.

- صالحی فرد، محمد و دیگران (۱۳۸۹)، تحلیلی بر ابعاد اجتماعی فضاهای سبز شهری با تأکید بر دیدگاه شهروندان، *فضای جغرافیایی*، ۱۰، ۲۹، ۵۱-۹۳.
- عطار زاده، مجتبی (۱۳۸۸). عدالت جنسیتی، مرز تعامل جنسیت و سیاست، *مطالعات راهبردی زنان*، ۴۶، صص ۲۶۸-۲۲۵.
- علیرضا نژاد، سهیلا و سرائی، حسن (۱۳۸۶). زن در عرصه عمومی، مطالعه‌ای در مورد فضاهای عمومی در دسترس زنان و تغییرات آن، *نامه علوم اجتماعی*، ۳۰، صص ۱۲۳-۱۴۹.
- لینچ، کوین (۱۳۷۶). *تنوری شکل شهر*، تهران: دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران.
- محمدی اصل، عباس (۱۳۹۰). جنسیت و جغرافیا، انتشارات گل آذین، چاپ اول، تهران.
- محمدی، مریم (۱۳۸۷). زنان و رویکرد عدالت جنسیتی در توسعه پایدار، *فصلنامه جستارهای شهرسازی*، ۷ (۲۵-۲۴): ۵۶-۶۳.
- مهدیزاده، جواد (۱۳۸۷). درآمدی بر نظریه‌های شهر و جنسیت (در جستجوی شهر انسانی‌تر)، *فصلنامه جستارهای شهرسازی*، ۷ (۲۴-۲۵): ۱۹-۶.
- Baiomer, R (2011). Creating a vibrant city center, a new source of urban competitiveness, *Journal of prince clause fund*, ARCHIS issue vitality, urban heroes .
- Day, K (2000). The ethic of care and women, s experiences of public space, *Journal of enviremental psychology*, 20, pp 103-124.
- Goodman, F(1986). *Dwell among friends*. Chicago: university of Chicago .
- Cheang, Michael (2002). "Older adults' frequent visits to a fast-food restaurant: Nonobligatory social interaction and the significance of play in a third place". *Journal of Aging Studies*, 16 (2002):303-321.
- Fisher, Karen E., et al. (2007). "Seattle Public Library as place: Reconceptualizing space, community, and information at the central library". In: John E. Buschman and Gloria J. Leckie (Eds.). *The Library as place*. Westport, CT: Libraries Unlimited. Available at: http://ibec.ischool.washington.edu/pubs/Fisher_2007_Library as Place.pdf (accessed on 10th May 2007).
- Begum, J (2000). Women, environment and sustainable development, making the links. *Women and his environment*: 11-27.
- Celestine, N (2008). *Addressing formal and substantive citizenship, gender justice in sub-saharan in Africa*. Pambazuka News: 10-11.



نویسندگان

hhosseini59@yahoo.com

سید هادی حسینی

استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران

samiee313@gmail.com

داود سمیعی پور

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران

